

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بیکار پامیر - تورنتو

۱۰.۰۳.۱۰

آی.اس.آی و دستگیری های اخیر آن ...

تحولات سیاسی- نظامی کشور پامال شده ما (افغانستان) آنقدر چرخنده و شتابنده است که انسان وقتی بخواهد رویدادها را بر محک تحلیل و تجزیه قرار دهد، غالباً کلافه میشود که از کجا بیآغازد و اولتر روی کدام موضوع به بحث پردازد؟ در میان انبوه حوادث و رخداد های سیاسی- نظامی، به خصوص در چنین موقعی که قضایای افغانستان قدم به قدم پیچیده تر، ریشه بی تر و بغرنج تر میشوند، دشوار خواهد بود بتوان با یک دید شتابزده و یک صحبت چند دقیقه ای به اصل و ذات پدیده ها متوسل گشت. با آنهم ما، همیشه سعی میکنیم تا به سهم خویش و بر وفق درک و توان فکری مان، از اصل و ماهیت قضایا سخن به میان آوریم.

اگر قرار باشد لا اقل به گوشه ای از عملکرد های پیچیده آی.اس.آی یا سازمان اطلاعات نظامی پاکستان در روز های اخیر تماس گیریم، باید گفت که بار دگر مقامات فریبکار حکومت پاکستان، اقدام به دستگیری تنی چند از سرکردگان طالبان در خاک آن کشور نمود و متعاقب آن، تبلیغات دامن دار مطبوعاتی را نیز به راه انداخت. از آن جمله، یکی هم شخص یاغی و آدمکش بنام (عبدالغنی) مشهور به (ملا برادر) بود. هر چند یک و دو "ملا" ی دیگر مانند "ملا کبیر" و "ملا آغا جان" هم درج لیست دستگیر شده ها اند، ولی بگذارید دستگیری همین ملای کلان و به قول مطبوعات پاکستان "شخص دوم گروه طالبان" را مورد بررسی مختصر قرار دهیم: این بار اول نیست که مقامات دغا باز پاکستانی، چند تا عنصر تروریست را از میان سایر عناصر ذخیره شده، از پناهگاه های امن شان در خاک پاکستان دستگیر میکنند و آنها را توأم با تبلیغات گسترده سیاسی و مطبوعاتی در اختیار اباب قدرتمند خویش (ایالات متحده ی امریکا) قرار میدهند. این نوع اقدامات فریبکارانه و منفعت جویانه حکومت مداران پاکستانی سابقه چند ساله دارد. فراموش نمیکنیم که در جریان "جنگ امریکا علیه تروریسم" از سال ۲۰۰۱ تا کنون، از یکطرف مقامات پاکستانی وجود سرکردگان تروریسم طالبی و القاعده در خاک آن کشور را پیوسته منکر شده و تلاش کرده اند این بار سنگین و ننگین را به دوش جانب افغانستان بیفکنند، ولی از سوی دیگر، مادامکه

ارباب امریکائی شان بر فشار و انتقاد خویش افزوده و یا تهدیدی را متوجه آنها ساخته است، باز، همین مقامات انکارکننده پاکستانی، با بسیار سهولت از گوش ایمل کانسی ها، ملاحظیف ها، یوسف رمزی ها، محمد صدیق ادی ها، محمد مدنی ها و غیره گرفته از مخفیگاه های شان که کاملاً تحت نظارت آی اس آی یا سازمان استخبارات نظامی پاکستان میباشند، بیرون کشیده آنها را کشان کشان به اربابان امریکائی شان تحویل داده اند.

حال، سوال اینست که چرا مقامات پاکستانی (ملبرادر) و همکاران دیگر او را باز هم از همان خاک پاکستان دستگیر نمودند؟ در این مورد، تحلیل ها و تبصره هایی از سوی افراد و منابع مختلف صورت گرفت و هر کدام اینها، دلایل و نظرات خودشان را ارائه نمودند، بعضی ها گفتند که چون ملبرادر میخواست در پروسه صلح دولت افغانستان شامل شده به جنگ خاتمه دهد. بنابراین، مورد خشم مقامات پاکستانی قرار گرفت، زیرا پاکستانی ها نمیخواهند جنگ در افغانستان پایان یابد. برخی ها اظهار داشتند که چون ملبرادر بدون اجازه ی آی. اس. آی عمل کرده بود، لذا ارباب پاکستانی با دستگیری اش، خواست مجازاتش کند تا عبرتی باشد به سایر خادمان و سر سپرده گان آی. اس. آی، بعضی ها هم گفتند که ملامت و اعضای برجسته "شورای رهبری" طالبان که در شهر کویت پاکستان مستقر هستند، با ملبرادر اختلاف پیدا کرد و... اما به نظر و عقیده ما، آنچه انگیزه اصلی مقامات پاکستانی به خاطر دستگیری این تروریست طالبی و یکی از قومندان های خونریز طالبان در سالهای اشغال مزار و شیرگان و... را تشکیل میدهد، همانا منفعت های مالی و سیاسی جانب پاکستان است که میخواهند به خاطر به دست آوردن این منفعت ها، در جایش و در موقعش دست به هر نوع اقدام و مانور سیاسی و تبلیغاتی بزنند و اگر منافع و ملاحظات شان ایجاب کند، حتی از نزدیکترین و وفادارترین خدمتگزاران خویش نیز می گذرند. چونکه گفته اند: (تاچیزی ندهی، چیزی نخواهی گرفت)

باید صراحتاً گفت که سازمان اطلاعات نظامی پاکستان در سالهای اخیر، به خصوص در سالهای جهاد مردم افغانستان علیه قشون روسی، توسط سازمان های استخباراتی امریکا، انگلیس و اسرائیل آنقدر حمایت و تقویت شد که اکنون این بچه دیروزه (فیل) بزرگ شده و میخواهد سقف خانه را حتی بالای دست پروردگان خودش فرو ریزد. آی اس آی پاکستان اگرچه نمیتواند با اربابان بزرگ به صورت آشکارا رویا روئی کند، ولی میتواند از طرق دیگر و با شیوه های مکارانه دیگر، طوری بازی کند که آنها را در جهت منفعت ها و مصلحت های مزورانه مالی و سیاسی خودش ذلیل و زیانمند سازد.

در این موضوع هرگز نمیتوانیم شک داشته باشیم که کشورهای غربی در افغانستان، اگرچه ظاهراً به عنوان تأمین کنندگان امنیت و بازسازی افغانستان و ایجادکننده یک دولت مرکزی قوی در کابل و امثالهم، هجوم آورده اند، با آنها، این هجوم و حضور (ولو اسارت آور)، در کشوری صورت پذیرفته است که آی. اس. آی بالای آن کار زیادی انجام داده و سرمایه گذاریهای انبوه اطلاعاتی و سیاسی و نظامی گسترده به عمل آورده است و بنابراین، نمیخواهد جز خودش، کس دیگری اینهمه سرمایه گذاریهای چندین ساله را برهم بزند. پس طبعاً این رخداد، مقامات پاکستانی را سخت ناراحت و خشمگین ساخته است. چون پاکستانی ها فکر میکنند که باسرازشدن ملیون ها دالر در افغانستان به خاطر پیشبرد پروژه های عمرانی و یا تحکیم زیربنای این کشور و حضور قوی کشور های قدرتمند جهان در افغانستان، به خصوص همکاریهای فنی و مالی هندوستان، مجموع تلاشها، سرمایه گذاریها و برنامه های خرابکارانه شان در خاک افغانستان را به صفرتقرب میدهد و یا لاقلاً اختلال در کار آنها وارد می آورد. یا بعبارت دیگر، مقامات دشمن کیش پاکستانی میخواهند همه راه های اقتصادی و عمرانی و نظامی را به روی افغانستان مسدود نگهدارند تا بتوانند فارغ البال علیه آنچه در جان این ملک و این ملت جنگزده باقی مانده دست به کار شوند.

به همین دلیل است که با دستگیری و یا تحویلدهی بعضی از سران طالبان، از یکطرف میخوانند باز هم باج کلانی از ارباب امریکائی حاصل نمایند و از سوی دیگر، سایر دست بازها و رذالت های پیدا و پنهان شان به ضد افغانستان را از انظار ببوشانند. در عین زمان، در نظر دارند با چنین دستگیری ها، به سایر نوکران افغانی و غیر افغانی خویش تفهیم نمایند که اگر هرکدام آنها سر از حلقه انقیاد بیرون کشد، همچو مجازات استقبالش خواهد کرد. مقامات پاکستانی، موازی با این بازیهای چند جانبه و شیطننت آمیز شان، از بازوی تروریستی خویش که طالبان انفجاری، لشکر طیبه و گروه سراج الدین حقانی فرزند خونریز جلال الدین حقانی باشد، به ضد امنیت، آسایش و آزادی کشور ما نیز استفاده می نمایند.

پاکستانی ها، ظرف چند سال اخیر، با ایجاد گروه ها و گروه های تروریستی چاکرپیشه مانند گروه های ذکر شده، همیشه نه تنها به ضد افغانستان، بلکه علیه هندوستان در کشمیر و حتا داخل خاک آن کشور نیز استفاده های تخریبی انجام داده و میدهند. چنانکه مقامات هندی دقیقاً به کنه این مداری بازی پی برده اند.

به هر حال، اگر مقامات حکومت پاکستان در آینده از سوی اربابان امریکائی و انگلیسی شان بیشتر مورد فشار قرار بگیرند، ما شاهد دستگیریهایی بیشتری در خاک پاکستان خواهیم بود. باید در اخیر چنین نتیجه گیریم که نگهداری طالبان، القاعده و گروه های تروریستی دیگر در زیر پر و بال آی اس آی نه تنها حیثیت بازو های نظامی و فشار های سیاسی بر همسایگان پاکستان را دارد، بلکه بهترین منبع درآمد مالی نیز برای پاکستانی ها به حساب میرود.

خواننده های گرامی آگاهند که حکومت پاکستان از سال ۲۰۰۱ م تا کنون مبلغ بیشتر از ده میلیارد دالر، ظاهراً بخاطر بریدن از طالبان و " همکاری در جنگ علیه تروریسم" از ایالات متحده به دست آورده و مبلغ هفت میلیارد دالر دیگر نیز تا پنج سال آینده حاصل خواهد کرد که مجموعاً بالغ بر حدود بیست میلیارد دالر امریکائی میشود. حال، سوال اینست که اگر طالبان، تروریسم عربی و حمایت های پاکستان از آن ها مطرح نمی بود و مصیبت های بزرگ از این ناحیه دامنگیر ملت افغانستان نمیشد، و آتش سوزنده جنگ و نا امنی و . . . در خاک ما زبانه نمی کشید، حکومت مداران پاکستان چگونه و تحت چه نامی میتوانستند اینهمه پول هنگفت را به دست آرند؟

پس ما مطمئنیم که مقامات حکومتی و استخباراتی پاکستان هرگز نمی خواهند " گاو شیری" را از کف بدهند. دستگیریهایی اخیر یا سایر دستگیری هایی که در آینده صورت خواهد گرفت، به هیچوجه به معنای صداقت پاکستان در برابر افغانستان و امریکا و در حکم بریدن از پروژه طالبان، تروریسم و بنیاد گرایی نیست و نخواهد بود. " ملا برادر" نیز همانند ملا ضعیف ها و متوکل ها و راکتی ها و امثالهم، مهربان است که در کف قدرتهای منطقه و جهان خواهد لولید. (پایان)